

مقامات کشورهای غربی به سرعت استدلال کرده‌اند که ترور یحیی سنوار رهبر حماس توسط اسرائیل در ۱۷ اکتبر فرصتی برای آتش‌بس در غزه و بازگشت گروهان‌های اسرائیلی ایجاد می‌کند. جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، فوراً از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، خواست تا اکنون که اسرائیل به یکی از اهداف جنگی خود دست یافته است، از این فرصت برای مذاکره استفاده کند. با این حال، این «فرصت» پیشتر از دست رفته است. حمله نظامی اسرائیل به غزه پس از ترور سنوار تشدید شده است و باعث شده هماهنگ‌کننده روند صلح سازمان ملل، تور ونسلند، بگوید که «هیچ جایی در غزه امن نیست». کاملاً واضح است که نتانیاهو قصد دارد حماس را بیشتر تقویت کرده، «توازن قدرت» جدید را تنظیم کند و یک منطقه حائل ایجاد کند و در این میان هیچ توجهی به جان فلسطینی‌ها یا گروهان‌های اسرائیلی ندارد. در حال حاضر، همه درباره اینکه ترور سنوار چگونه بر حماس و توانایی آن در مقاومت و پاسخ به ارتش اسرائیل تأثیر می‌گذارد، سخن می‌گویند. مرگ او ضربه بزرگی از نظر نمادین، عملیاتی و روانی خواهد بود. حماس تضعیف شده و ظرفیتش برای پاسخ به اسرائیل به خطر افتاده است. اما حماس به مرور زمان بهبود می‌یابد، احیای می‌شود و انتقام می‌گیرد - و مرگ سنوار برای فلسطینی‌ها در غزه یا جاهای دیگر تعجب‌آور نخواهد بود. حماس به ترور رهبران خود عادت کرده است. از زمان تشکیل حماس در سال ۱۹۸۷، بارها رهبران حماس ترور شده‌اند؛ تصویری که حماس از سنوار در حال مرگ پخش کرده، بسیاری از جوانان فلسطینی را متقاعد خواهد کرد که او به عنوان یک شهید در خدمت آرمان فلسطین جان باخته است. در نتیجه، بسیاری الپام خواهند گرفت که به صفوف حماس بپیوندند و آن را تقویت کنند. انتشار فیلم هواپیمای بدون سرنشین توسط ارتش اسرائیل که آخرین لحظات سنوار را نشان می‌دهد، هیچ کمکی به تضعیف اعتبار او نکرده است. برعکس، این فیلم به عنوان یک فراخوان تجمعی برای جوانان ناراضی و محروم فلسطینی خواهد بود که از بمباران اهداف غیرنظامی اسرائیل در غزه وحشت‌زده و از ناتوانی فتح در جلوگیری از گسترش شهرک‌نشینان اسرائیلی و خشونت در کرانه باختری ناراضی هستند. برخی امیدوارند که اگر سنوار با یک رهبر «میان‌روتر» جایگزین شود، ممکن است ترور او مسیر آشتی حماس و فتح را هموار کند و این می‌تواند پایه‌ای برای یک راه‌حل سیاسی در فلسطین فراهم کند. اما این ایده که حماس تنزل یافته و «بدون رهبر» در معرض فشارهای بین‌المللی برای آشتی با فتح خواهد بود، رنگی از واقعیت ندارد. رهبران جدید احتمالی حماس مانند خالد المشعل و خلیل الحیا در قطر مستقر هستند. آنها ممکن است در برابر فشارهای خارجی برای آشتی با فتح در جست‌وجوی یک نتیجه سیاسی انعطاف‌پذیرتر باشند، اما توانایی آنها برای تأثیرگذاری بر رویدادهای میدانی در غزه محدود خواهد بود. این راه‌حل‌ها سازمانده‌ی شده توسط سنوار در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نشان داد که بدون اطلاع رهبری تبعیدی در دوچه انجام شد. حماس مدت‌هاست در غزه مستقر شده و بسیار غیرمتمرکزتر از قبل از ۷ اکتبر شده است. به عبارت دیگر، از زمان آغاز این دور از درگیری، گسست بین حماس در غزه و رهبری سیاسی آن در قطر بیشتر شده است. این امر تلاش‌های بین‌المللی قطر، مصر، عربستان سعودی، چین، روسیه و دیگران را برای ایجاد آشتی تضعیف خواهد کرد. مسکو و پکن قبلاً میزبان مذاکرات آشتی در فوریه و آوریل در اوایل سال جاری بودند، اما هیچ پیشرفتی در برداشتن بن‌بست بین دو طرف نداشتند. عربستان سعودی نیز میزبان مذاکرات بوده است. سه کشور عربی که هیچ‌یک از آنها تاکنون به طور علنی در مورد ترور سنوار اظهار نظر نکرده‌اند، احتمالاً مرگ او را فرصتی برای تقویت شاخه سیاسی حماس خواهند دانست و از آن با وعده‌های حمایت سیاسی، دیپلماتیک و مالی حمایت می‌کنند. عربستان سعودی و مصر تقریباً هیچ تأثیری بر روند جانشینی نخواهند داشت، اما روابط طولانی‌مدت قطر با شاخه سیاسی حماس به آن اهرم فشاری بر این سازمان می‌دهد، هرچند محدود. آن‌ها ممکن است بتوانند با قول دادن به تلاش بیشتر برای برقراری آتش‌بس، تضمین ارائه کمک‌های بشردوستانه و تلاش برای راه‌حل سیاسی، دست افراد مستقر در دوچه را تقویت کنند. اگر چه شاخه نظامی حماس تحلیل رفته است، اما نمی‌خواهد زمین را واگذارد و با فتح آشتی کند. همچنین تحمیل یک رهبر جدید از خارج از قلمرو را نخواهد پذیرفت.



# بلوک معترضان

## آیا بازار بریکس می‌تواند به هژمونی آمریکا در خاورمیانه پایان دهد؟

### The Economist

بسیاری امیدوارند که با شروع کاهش تسلط دلار آمریکا، نفوذ آن بر جهان از جمله جهان عرب نیز کاهش یابد. نشست سالانه بریکس از اول تا ۳ آبان - ۲۲ تا ۲۴ اکتبر در کازان روسیه برگزار شد. پیش از این، اجلاس بلوک ژئوپلیتیک به رهبری روسیه و چین گزارشی تاریخی منتشر کرد که در آن پیشنهادهای ایجاد زیرساخت‌های جدید برای تجارت و انتقال پول با استفاده از پول ملی خود به جای دلار آمریکا را ارائه کرد.

این می‌تواند یک تحول قابل توجه باشد، زیرا برخی از کارشناسان معتقدند «تسلطی شدن» که دلار علیه کشورهایی که آمریکا مخالف سیاست‌های آنها از طریق تحریم‌ها، مسدود کردن دارایی‌ها و سایر اقدامات مخالف می‌باشد، اعتماد بین‌المللی به دلار را تضعیف کرده و باعث فشار جهانی برای کاهش ارزش دلار در جهت رفتن به سوی دلارزدایی شده است.

از سال ۱۹۴۴ هژمونی دلار آمریکا بر سایر ارزهای جهانی به ایالات متحده این امکان را داد تا بر سیاست‌های اکثر کشورهای در حال توسعه، از جمله در خاورمیانه، تأثیر بگذارد و از بسیاری جهات آنها را کنترل کند. برای دهه‌ها ایالات متحده از نظر قدرت نظامی، توسعه فناوری و کنترل بر منابع طبیعی یک برتری جهانی را حفظ کرده است. با این حال اقتصاددانان بر این باورند که دلار - که به عنوان تنها ارز ذخیره جهانی در نظر گرفته می‌شود - یکی از مهمترین عناصر هژمونی ایالات متحده به ویژه در کشورهای دارای اقتصادهای بازار بوده است.

این واقعیت در ۱۲ ماه گذشته به شدت احساس شده است زیرا جامعه جهانی قادر نبوده یا نمی‌خواهد سیاست‌های ایالات متحده را به چالش بکشد و نسل‌کشی اسرائیل در غزه را متوقف کند. ایالات متحده از طریق کمک‌های خارجی به کشورهایی مانند مصر، اردن، عراق و دیگر کشورهای فقیر منطقه، سیاست‌های خود را بر بسیاری از کشورهای عربی تحمیل کرده است.

کشورهای ثروتمندتر مانند عربستان سعودی و امارات، منافع خود را با آمریکا در اولویت قرار داده‌اند و از این رو هیچ اقدام معناداری برای پایان دادن به تجاوزات جاری در فلسطین و لبنان انجام نداده‌اند. اگر بریکس یک ارز واحد را اتخاذ کند این یک حرکت محوری و استراتژیک خواهد بود که موقعیت دلار آمریکا را تضعیف خواهد کرد. با این حال در سال‌های اخیر کشورهای بریکس سهام طلای خود را افزایش داده‌اند و رهبران آن به دنبال کاهش اتکای کشورهای خود به دلار آمریکا هستند.

حتی اتحادیه اروپا، از جمله وزیر خارجه آلمان اخیراً تمایل خود را برای سیستم پرداخت مبتنی بر اتحادیه اروپا، بدون دلار و مستقل از ایالات متحده ابراز کرده‌اند. در حالی که دلار همچنان با ۹۰ درصد تسلط بر مبادلات ارزی ادامه می‌دهد، اما همچنان توانسته در سال ۲۰۲۲ ذخایر ارزی

را به پایین‌ترین حد در ۲۰ سال گذشته کاهش دهد. از زمان تاسیس در سال ۲۰۰۰ بریکس از نظم بین‌المللی چندقطبی و یک تجارت و مالی منصفانه جهانی دفاع کرده است؛ سیستمی که همچنان یک جاه‌طلبی کلیدی جنوب جهانی است. کشورهای بریکس اکنون در حال مذاکره برای ایجاد یک ارز ذخیره جدید هستند تا به کشورهایشان امکان استقلال اقتصادی بیشتر را بدهد.

با توجه به جنگ‌های مورد حمایت ایالات متحده در سراسر خاورمیانه بسیاری امیدوارند که کاهش قابل توجه تسلط دلار آمریکا به عنوان یک ذخیره جهانی و ارز تجاری بین‌المللی مانع از نفوذ مخرب آن بر جهان شود.

اما چه کسی می‌تواند دلار آمریکا را به همان اندازه‌ای که جنوب جهانی امیدوار است از قدرت خلع کند؟ دلارزدایی بلوک بریکس می‌تواند نقش مهمی در به چالش کشیدن سلطه دلار آمریکا ایفا کند. این امر با افزایش ذخایر طلا و ارزهای کلیدی کشورهایشان مانند یوان چین به جای دلار آمریکا و ایجاد توافقات تجاری غیردلاری رخ خواهد داد.

ناگفته‌نماند که کشورهای موسس بلوک بریکس چندان علاقه‌ای به آمریکا و سیاست‌های آن به‌ویژه علیه روسیه و چین ندارند. پس از آنکه دولت آمریکا ذخایر ۳۰۰ میلیارد دلاری ارز روسیه را به دنبال تهاجم اینک به هدف متوقف نمودن پیشروی ناتو به کشور اوکراین در سال ۲۰۲۲ به سوی شرق صورت گرفته بود - مترجم - با نیت پرداخت بخشی از آنها به کی‌یف مسدود کرد، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سخت مانند طلا یا نفت را پیشنهاد کرد.

ذخایر طلای بانک مرکزی کشورها بر اساس گزارش‌ها، تا سال ۲۰۲۴ بریکس به اضافه مصر «بیش از ۲۰ درصد کل طلای موجود در بانک‌های مرکزی جهان را به خود اختصاص داده است. روسیه، هند و چین در رتبه ۱۰ هلدینگ‌های بانک مرکزی جهان از حیث ذخایر طلا قرار دارند.»

علی‌رغم تسلط دلار آمریکا برای بیش از ۸۰ سال سهم آن از ذخایر پولی جهانی از اوایل دهه ۲۰۰۰ از حدود ۷۳ به ۵۸ درصد به نفع طلا و ارزهای غیرسنستی کاهش یافته است. چندین کشور دارایی اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا را کاهش داده‌اند که برخی از آنها مانند روسیه و ترکیه آن را به صفر رسانده‌اند. هفت کشور که جزو صاحبان اصلی سنتی اوراق قرضه خزانه‌داری ایالات متحده از جمله ژاپن، روسیه، چین و حتی عربستان سعودی و امارات بودند، در یک دهه گذشته دارایی خود را در مجموع ۲ تریلیون دلار کاهش داده‌اند. در نتیجه خاطر نشان می‌شود در حالی که بدیهی عمومی ایالات متحده طی دهه گذشته دو برابر شده است و از ۱۷/۸ تریلیون دلار به بیش از ۳۵ تریلیون دلار امروز رسیده است، ارزش اوراق بهادار خزانه‌داری که توسط غیرآمریکایی‌ها نگهداری می‌شود بدون تغییر در ۸ تریلیون



تحلیل  
رسانه

دلار باقی مانده است که نشان‌دهنده کاهش ۴۵ درصدی به ۲۳ درصد اوراق قرضه ایالات متحده توسط خارجی‌ها از میان تعداد کل دارندگان اوراق قرضه می‌باشد.

### سیاست هویج و چوب

ایالات متحده از رویکرد چماق و هویج برای تحمیل سیاست خود بر جهان عرب استفاده کرده است. رشوه در قالب کمک‌های ایالات متحده مدت‌هاست که با رژیم‌ها و دولت‌های سازگار استفاده می‌شود. مصر نمونه خوبی در این زمینه است، زیرا ارتش مصر از سال ۱۹۷۹ معاهده صلح مصر و اسرائیل از کمک سالانه ۱/۳ میلیارد دلاری برخوردار بوده و همچنان از سیاست‌های ایالات متحده در منطقه پیروی می‌کند.

ایالات متحده به طور غیرمستقیم کشورها را با حذف آنها از سیستم پرداخت سوئیفت و ممانعت از انتقال هرگونه وجه بین بانک‌ها تنبیه کرده است که این خود «ضربه شدید ملی» به کشورهایی مانند ایران است.

ایالات متحده همچنین تحریم‌های مستقیمی را علیه رژیم‌هایی اعمال کرده است که با سیاست‌های آن مطابقت ندارند و بر سرمایه‌گذاری‌های آن کشورها چه در بازارهای ایالات متحده و چه در بازارهای متحدانش، اعمال شده است. کشورهایی مانند ایران، سوریه و عراق از اهداف قابل توجه این اقدامات بدنام بوده‌اند. در واقع چنین اقداماتی که توسط واشنگتن تحمیل شده بود بدون وجه دلار آمریکا موفق نبودند. انتظار می‌رود نشست جاری بریکس با حضور ۳۲ کشور، از جمله ۹ عضو اتحادیه به درخواست‌های بیش از ۳۰ کشور برای پیوستن یا همکاری با این بلوک رسیدگی شود. همچنین در مورد ترویج استفاده از ارزهای محلی در تجارت داخلی و حتی با کشورهای غیر عضو بحث خواهد شد. این بلوک همچنین ایجاد یک طرح پرداخت برون مرزی بریکس بی‌بریکس پرداخت را پیشنهاد کرده است که هدف آن به حداقل رساندن اتکا به تنها سیستم پرداخت فرامرزی حاکم در حال حاضر و تشویق کشورها به استفاده از ارزهای ملی خود در تجارت بین‌المللی است.

بریکس همچنین برنامه‌های خود را برای ایجاد جایگزینی برای سیستم سوئیفت تحت کنترل ایالات متحده اعلام کرده است. این ابتکار به اعضای بریکس که کنترل یا تأثیرگذاری بر عملیات سوئیفت را ندارند، این امکان را می‌دهد تا بدون موانع پرداخت‌ها را بین بانک‌ها کنند. برای تحقق چنین اهدافی بریکس قصد دارد فناوری بلاک چین را همراه با ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) امتحان کند.

در حالی که هنوز تأیید نشده است که آیا بحث ارز یکپارچه برای کشورهای این بلوک در دستور کار است یا خیر، اما در صورت تصویب چنین طرحی اقدامی محوری و راهبردی خواهد بود که موقعیت دلار آمریکا را بیش از پیش تضعیف

